

چین و اروپا

سرگردان بین نزدیکی اقتصادی و مواجه ژئوپلتیک

در حالی که چین تلاش دارد روابطش با اروپا را از مسیر اقتصاد و گفت‌وگو احیا کند، سایه سنگین جنگ اوکراین، نزدیکی یکن به مسکو و فشارهای واشینگتن، روابط طرفین را وارد مرحله‌ای از «اعتماد شکننده» کرده است. حال باید دید که آیا دیدارهای اخیر شی چین‌پنگ با سران فرانسه و اتحادیه اروپا، آغازگر فصل جدیدی از تعامل یا تقابل خواهد بود؟

چندی پیش، شی چین‌پنگ، رئیس‌جمهوری چین، برای نخستین بار پس از پنج سال به اروپا سفر کرد. اولین مقصد او فرانسه بود؛ جایی که امانوئل مکررون تلاش کرد توازنی میان نگرانی‌های امنیتی غرب و منافع اقتصادی اروپا با چین برقرار کند. در کنار او، اورزولا فون در لاین، رئیس کمیسیون اروپا نیز در نشست حضور داشت تا بر موضع بروکسل در خصوص نگرانی‌های تجاری و ژئوپلتیکی تأکید کند. با وجود لیخنדה و وعده‌های همکاری، لایه‌ای از بی‌اعتمادی بر فضا حاکم بود؛ اروپایی‌ها نگرانند چین با حمایت غیرمستقیم از روسیه عملاً در

در حالی که ایالات متحده به‌طور فزاینده‌ای بر مهار چین تمرکز کرده، اتحادیه اروپا تلاش می‌کند راهی مستقل‌تر در پیش بگیرد، اما این استقلال به شدت شکننده است. فشارهای واشینگتن برای تحریم صادرات فناوری‌های حساس به چین و همزمان هشدارها درباره صادرات تجهیزات کاربردی چینی به روسیه، فضای مانور بر بروکسل را محدود کرده است. فرانسه متمایل به گفت‌وگو و حفظ پیوندهای اقتصادی با چین است. آلمان، درگیر بازنگری سیاست صنعتی خود و وابستگی بالا به بازار چین، موضعی محتاط‌تر دارد. لهستان و کشورهای بالتیک، به‌دلیل نزدیکی به جبهه جنگ اوکراین، با دیده تردید به‌رگونه نزدیکی با یکن نگاه می‌کنند.

درواه یکن واشینگتن

واشینگتن، چه در دوران ترامپ و چه بایدن، همواره تلاش کرده میان اروپا و چین دیوار سیاسی و اقتصادی بلندی برپا کند؛ گاه با زور، ترفقه، گاه با فشار ژئوپلتیک و گاه با هاب‌رانش فنانورانه. در سال ۲۰۱۸، دولت دونالد ترامپ رسماً وارد یک جنگ تجاری تمام‌عیار با چین شد. او با اعمال تعرفه‌های سنگین بر صدها

پرونده

ترجمه: زهراسادات افرینی

در غزه، جایی که پژواک درگیری در زندگی روزمره منعکس شده، آموزش از یک سو قربانی وضع موجود شده و از سویی دیگر به نمادی از مقاومت تبدیل شده است. دانش آموزان و اساتید، در میان کلاس‌های درس ویران، ارتباطات اینترنتی قطع شده و ترس مداوم از آوارگی یا مبرگ تلاش می‌کنند آموزش را حتی زمانی که همه چیز در اطرافشان از هم می‌پاشد، زنده نگه دارند. اینجا آموزش دیگر مسیری به سوی فرصت نیست، بلکه مبارزه‌ای برای بقاست. از زمان تشدید جنگ نسل‌کشی در اکتبر ۲۰۲۳، مدارس و دانشگاه‌های سراسر غزه با خاک یکسان شده و به پناهگاه‌هایی برای فلسطینی‌های آواره تبدیل شده‌اند. زندگی، رویاها و سلامت روان هزاران دانش آموز و دانشجو درگون شده است. به گفته کارشناسان سازمان ملل، بیش از ۸۵ درصد از مدارس غزه به طور کامل یا جزئی تخریب شده‌اند. گزارش دیده‌بان حقوق بشر بورو-

مدیرانه هم حاکی از این است که سه رئیس دانشگاه و بیش از ۹۵ رئیس و استاد دانشگاه‌از جمله ۶۸ نفر که دارای عنوان استادی بودند، در حملات هوایی اسرائیل کشته شده‌اند، اما به وجود ویرانی و اینترنت در غزه، آموزش همچنان ادامه دارد. در اینن مطلب به تلاش چهار نفر اشاره شده است.

تلاش بدون حداقل منابع مالی

سیرین نصرالله، استادیار زبان انگلیسی در دانشگاه اسلامی غزه می‌گوید: جنگ‌نقش او را به یک «میانجی» تغییر داده و معنای آموزش را از نو تعریف کرد. اینترنت در سراسر نوار غزه است. وی اضافه می‌کند: «من نمی‌توانم به راحتی با دانشجویانم ارتباط برقرار کنم و حتی ارتباط برقرار کردن با کارکنان دانشگاه هم دشوار شده است.» او احساس می‌کند که از یک مدرس به یک هماهنگ‌کننده بین دوره و دانشجویان تبدیل شده است: «من فقط اسلایدها را به اشتراک می‌گذارم. نمی‌توانم توضیح دهم، نمی‌توانم درگیر شوم. از تلفن همراه برای مدیریت همه چیز - حتی نمرده‌دهی - استفاده می‌کنم.» از آغاز جنگ، سیرین چالش‌های متعددی را در دانش آموزش مشاهده کرد. تمرکز از

میلیارد دلار از واردات چینی، یکن را متهم کرد که با «سرقت مالکیت فکری»، «دستکاری ارز» و «پارانه‌های غیرمنصفانه»، قواعد بازی جهانی را زیر پا گذاشته است، اما چیزی که کمتر مورد توجه قرار گرفت، این بود که ترامپ تقریباً همزمان جنگی گمرکی با اروپا نیز به‌راه انداخت؛ به ویژه با تهدید به اعمال تعرفه بر خودروهای آلمانی، صنایع فولاد و آلومینیوم اروپا. این وضعیت باعث شد که چین و اروپا به‌طور موقت، به‌دنبال ائتلافی گفتمانی برای دفاع از چندجانبه‌گرایی برآیند. با روی

شود، اما در عمل، استراتژی بایدن نه تنها تغییر نکرد، بلکه ساختارمندتر شد. ایالات متحده، با تشکیل ائتلاف‌هایی نظیر Quad، AUKUS و تعمیق روابط با تایوان، پیام روشنی به یکن داد: مهار چین، دستور کار ثابت سیاست خارجی امریکاست.

در حوزه فناوری نیز ایالات متحده صادرات تراشه‌های پیشرفته، تجهیزات تولید نیمه‌هادی و فناوری‌های مرتبط با هوش مصنوعی به چین

رامنوع کرد. این سیاست‌ها نه تنها چین، بلکه شرکت‌های اروپایی فعال در زنجیره تأمین جهانی را نیز تحت تأثیر قرار داد. از سوی دیگر، واشینگتن با لابی گسترده تلاش کرد اروپا را نیز به مسیر محدودسازی چین بکشاند. در بسیاری موارد موفق هم بود؛ از ایجاد «سیاست کاهش ریسک» در بروکسل گرفته تا آغاز تحقیقات ضددامپینگ علیه صنایع چینی. این مهم با روی کار آمدن مجدد ترامپ و جنگ تعرفه‌ها با شدت بیشتری در حال پیگیری است.

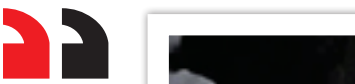
اقتصاد باز ساز در هم‌آوردی ژئوپلتیک
با وجود همه اختلافات، چین دومین شریک تجاری اتحادیه اروپاست. مبادلات اقتصادی طرفین در سال ۲۰۲۴ به بیش از ۸۵۰ میلیارد یورو رسید. اروپا به واردات مواد اولیه و کالاهای ارزان‌قیمت چینی نیاز دارد و چین نیز بازار پرطرفتی همچون اروپا را نمی‌خواهد از دست بدهد، اما تنش‌ها در حال سربیز به حوزه‌های اقتصادی هستند. اتحادیه اروپا تحقیقات ضددامپینگ علیه خودروهای برقی چینی را آغاز کرده و هشدار داده در صورت اثبات یاره‌های غیرمنصفانه، تعرفه‌های سنگینی



اعمال خواهد کرد. چین نیز تهدید به اقدامات متقابل کرده است.

بنابراین، اتحادیه اروپا در وضعیت دشواری قرار دارد. از یک‌سو، چین برای صنایع اروپا از خودروسازی تا داروسازی یک شریک حیاتی مورد موفق هم بود؛ از ایجاد «سیاست کاهش ریسک» در بروکسل گرفته تا آغاز تحقیقات ضددامپینگ علیه صنایع چینی. این مهم با روی کار آمدن مجدد ترامپ و جنگ تعرفه‌ها با شدت بیشتری در حال پیگیری است.

مهم‌ترین نقطه اختلاف، رویکرد چین به جنگ اوکراین است. هر چند چنک از آغاز جنگ، نقش «میانجی صلح» را تبلیغ کرده، اما نزدیکی‌اش به کرآمین در اروپا با سوطن نگریسته می‌شود. گزارش‌های اطلاعاتی غرب از ارسال قطعات دوکاربری چینی به روسیه حکایت دارد. اروپایی‌ها هشدار داده‌اند که اگر چین از خط قرمزها عبور کند، روابط دو طرف وارد مسیر پرهزینه‌ای خواهد شد. چین در واکنش به این نگرانی‌ها، با زبان دیپلماسی پاسخ داده است. سخنگوی وزارت خارجه چین در بیانیه‌ای



روابط آینده چین و اروپا، نه مبتنی بر «شراکت راهبردی» گذشته و نه خصومت آشکار، بلکه بر اساس منافع متقاطع، گفت‌وگوهای حساب‌شده و فاصله‌گذاری ژئوپلتیکی شکل خواهد گرفت

اعلام کرد: چین هیچ‌گاه به هیچ‌طرفی در جنگ اوکراین سلاح نفرستاده و به‌دنبال صلحی پایدار از مسیر گفت‌وگوست. در عین حال، رسانه‌های رسمی چین، امریکا را متهم می‌کنند که با دامن‌زدن به جنگ سرد جدید اروپا را از مسیر منافع اقتصادی‌اش با شرق دور می‌کند.

آیا دوران جدیدی آغاز شده؟

دیدارهای اخیر، نشانه‌ای از تلاش متقابل برای کاهش تنش و یافتن نقاط مشترک است، اما کارشناسان معتقدند تا زمانی که جنگ اوکراین ادامه دارد و رقابت امریکا و چین ابعاد استراتژیک عمیق‌تری پیدا می‌کند، «اعتماد کامل» میان یکن و بروکسل یک هدف دور دست خواهد ماند. به نظر می‌رسد روابط آینده چین و اروپا، نه مبتنی بر «شراکت راهبردی» گذشته و نه خصومت آشکار، بلکه بر اساس منافع متقاطع، گفت‌وگوهای حساب‌شده و فاصله‌گذاری ژئوپلتیکی شکل خواهد گرفت. یکن با درک شکاف‌های درونی اروپا و وابستگی مزمن کشورهای عضو به بازار چین، به‌جای رویارویی مستقیم، سیاست «جذب از درون» را در پیش گرفته است، یعنی تمرکز بر روابط دو جانبه با کشورهای کلیدی مانند فرانسه، آلمان، ایتالیا و مجارستان به‌جای گفت‌وگو با کل اتحادیه.

در مجموع، اروپا در یک بزنگاه تاریخی ایستاده است. رابطه با چین، همزمان می‌تواند موتور رشد اقتصادی باشد یا تهدیدی برای امنیت ژئوپلتیکی اروپا. در این میان چین نیز تلاش می‌کند نشان دهد که یک شریک جهانی مسئول‌آورد است، اما نزدیکی‌اش به مسکو، این تصویر را با چالش روبرو کرده است. آزمون بزرگ سیاست خارجی برای هر دو طرف تازه آغاز شده است.

مقاومت می‌کنیم. خود آموزش نوعی مبارزه است.» فاطمه می‌گوید: «ما قوی، باهوش و مستحکوم هستیم و فقط می‌خواهیم در صلح درس بخوانیم. می‌خواهیم به دنیا نشان دهیم که با وجود همه چیز ما ادامه می‌دهیم. ما الهام‌بخش دانش‌آموزانی شده‌ایم که به دلایلی بسیار کمتر از جنگ احساس ناامیدی می‌کنند.»

کمک به غزه حتی با کلمات

ناذر، مستشه دانشجویی سال آخر رشته زبان انگلیسی در دانشگاه اسلامی غزه، شرح می‌دهد که چگونه جنگ کنونی، عمیقاً بر زندگی تحصیلی و سلامت عاطفی او تأثیر گذاشته است. او تحصیلاتش را آنلاین ادامه می‌دهد و می‌گوید: «دانشگاه ما ویران شده، دوستان مان کشته شده‌اند و ما دیگر در کلاس‌های دانشگاه شرکت نمی‌کنیم.» او در اضطراب مداوم زندگی می‌کند. غرق در فکر و نگرانی‌های مداوم است. او و خانواده‌اش آواره شده‌اند و اقوام و دوستانش از جمله پدر بزرگش را از دست داده است. نادره می‌گوید: «در کل شهر هیچ جای امنی وجود ندارد. رویاها و برنامه‌های ما از بین رفته‌اند، اما من هنوز تلاش می‌کنم.» او عمیقاً دلنگش زندگی دانشگاهی‌اش است. وقتی از او درباره «دلم برای دوستانم، خنده‌های‌مان و آن صبح‌های پر جنب‌وجوش تنگ شده است. جنگ اشک‌هایم را خشک کرده است. دیگر گریه نمی‌کنم - حتی موقع خداحافظی.» وقتی برق و اینترنت یک چالش روزانه است، او توضیح می‌دهد: «شب‌ها به دلیل قطعی برق نمی‌توانم درس بخوانم و شب تنها زمانی است که می‌توانم تمرکز کنم.» وقتی از او درباره آینده‌اش سؤال می‌شود، با تردید و ترس پاسخ می‌دهد: «صادقانه بگویم، نمی‌دانم. اگر جنگی نبود، می‌توانستم به این سؤال پاسخ دهم که جایگاه خودم را کجا می‌بینم.» با این حال، با وجود ویرانی‌ها او می‌گوید: «مید هنوز هم زنده است، حتی در میان مرگ. من سعی می‌کنم به نوشتن و یادگیری ادامه دهم، زیرا شاید بتوانم به این شهر کمک کنم - حتی با کلمات.»

هدی شیخ دانشجوی ادبیات انگلیسی نویسنده و روزنامه‌نگار اهل غزه

اینتر سبت

سجاد مرادی کلارده

جمهوری آذربایجان از متحدان رژیم صهیونیستی است، متحدی که حتی بعد از جنگ غزه نیز روابط راهبردی و نزدیکی را با این رژیم دنبال می‌کند. اخیراً سفیر رژیم صهیونیستی در آستانه پایان مأموریت خود، در باکو به تعریف از روابط باکو - تل آویو پرداخت و با تأکید بر روابط دو طرفه دوره بعد از جنگ غزه گفت که جمهوری آذربایجان با وجود فشارهای خارجی از جمله از سوی ایران و ترکیه برای تضعیف روابط این کشور با اسرائیل نه تنها هیچ اقدامی نکرد، بلکه بر تعهد راهبردی خود به روابط دو جانبه تأکید و ثابت کرد که شرکای قابل اعتماد در مواقع بحران آشکار می‌شوند. جورج دیکر، یک مربی اسرائیل نقش حمایتی تأکید کرد که آذربایجان نقش یک هاب استراتژیک غیر قابل جایگزین را در منطقه برای اسرائیل ایفا می‌کند.

وابستگی متقابل

نکته اول ماهیت روابط رژیم صهیونیستی و آذربایجان است. از دیدگاه رهبران تل آویو به ویژه بعد از تحولات یک دهه اخیر، جمهوری آذربایجان فقط یک کشور دوست یا یک متحد ساده نیست، بلکه برآورد این رژیم از آذربایجان در سطح یک متحد راهبردی است. شاید دلیلی که باعث یادآوری این رابطه در طی ۳۰ سال گذشته بوده، نیاز متقابل دو طرف است. کارشناسان معتقدند که رژیم صهیونیستی، آذربایجان را به عنوان یک منبع نفت پایدار انرژی و مسیر امن تجارت با سایر کشورهای آسیای مرکزی و منطقه خزر نگر بسته و در مقابل آذربایجان نیز سیستم‌های دفاعی و نظامی رژیم اشغالگر را برای تجهیز ارتش خود مناسب دیده است. داده‌های مؤسسه تحقیقات صلح استکهلم (SIPRI)، نشان داد که در دوره ۲۰۱۹-۲۰۱۵، آذربایجان ۶۰ درصد

دومین دوست اسرائیل بعد از امریکا

جمهوری آذربایجان حتی بعد از جنگ غزه

تغییری در مناسبات با رژیم صهیونیستی ایجاد نکرده است

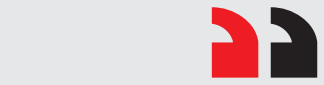
از تمایل باکو برای شرکت در پروژه‌های بین‌المللی گاز فراساحلی است و این واقعیت را برجسته می‌کند که اختلافات اخیر بین تل آویو و آنکارا تصمیمات اقتصادی آذربایجان را شکل نمی‌دهد و همکاری باکو - تل آویو را کاهش نمی‌دهد، چرا که آذربایجان با احترام به اتحاد خود با اسرائیل بدون رها کردن روابط نزدیک فرهنگی و سیاسی خود با ترکیه، مسیر خود را حفظ کرده است.» از این منظر می‌توان گفت، همکاری انرژی آذربایجان با رژیم صهیونیستی که عمدتاً در پروژه‌های صادراتی انجام می‌شود، در فضای بعد از پایان جنگ غزه اهمیت راهبردی خود را نشان خواهند داد.

آذربایجان همچنین در سال ۲۰۲۳ سفارت خود در تل آویو را انیض افتتاح کرد. در ماه فوریه ۲۰۲۴ رئیس‌جمهور آذربایجان الهام علی‌اف در حاشیه کنفرانس امنیتی مونیخ با همتای صهیونیست خود اسحاق هر تروگ دیدار کرد. در آوریل همان سال از وزرای انرژی دو طرف در دیداری که در بی‌با داشتند، درباره گسترش روابط دو جانبه با محوریت انرژی تبادل نظر کردند. در ماه دسامبر مایکل توچین و برنی کامیتسکی رهبران لابی آپیک برای نخستین مرتبه به آذربایجان سفر و با الهام علی‌اف دیدار کردند. در ماه دسامبر حکمت حاجی‌اف مشاور ارشد رئیس‌جمهوری آذربایجان با مقامات صهیونیست دیدار کرد. حاجی‌اف بعد از اجرای آتش‌بس بین رژیم صهیونیستی و حماس در ژانویه ۲۰۲۵ مجدداً با سفر به تل آویو با نتانیاهو نخست‌وزیر این رژیم دیدار کرد. مهم‌ترین زمینه حمایتی آذربایجان از رژیم صهیونیستی در منطقه، در زمینه تأمین انرژی مورد نیاز این رژیم بوده است. آذربایجان و اسرائیل که مدت‌هاست روابط نزدیکی در زمینه‌های دفاعی و اطلاعاتی دارند، در حال تقویت همکاری در حوزه انرژی هستند، طبق آمارهای تخمینی، آذربایجان حدود



۴۰ درصد از نیازهای نفتی این رژیم را تأمین کرده است. خط لوله باکو - تفلیس - جیحان (TBC) نفت آذربایجان را از طریق گرجستان به بنادر مدیترانه‌ای ترکیه منتقل می‌کند و از آنجا به سراسر جهان، از جمله سرزمین‌های اشغالی ارسال می‌شود. در عین حال همکاری امنیتی نیز بین دو طرف با محوریت اشتراک اطلاعات و همکاری‌های دفاعی در جریان است. ارتقای سطح همکاری‌ها بین دو طرف بعد از هفتم اکتبر حتی گمانه‌زنی برای پوستن آذربایجان به توافقنامه ابراهیمی ایجاد کرد. در مارس ۲۰۲۵ طرحی در کنست رژیم صهیونیستی برای تقویت و تجدید اتحاد راهبردی با آذربایجان ارائه شد. این طرح افزون نام باکو به توافقنامه مذکور را مورد حمایت قرار داد. دفتر نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی نیز این موضوع را تأیید کرد که این رژیم در حال مذاکره با امریکا برای ایجاد یک چارچوب محکم برای همکاری سه جانبه بین تل آویو، باکو و واشینگتن است. باکو همچنین در مقطع بعد از آتش‌بس در غزه، در نقش میانجی بین تل آویو و ترکیه بعد از درگیری آنها در سوریه به ظاهر شده است. ترکیه به دلیل آرایش جدید اقتصاد آذربایجان، روابط دهه ۱۹۹۰ بین رژیم متحد آذربایجان، اسرائیل و ضمن انتشار بیانیه مشترکی در آوریل ۲۰۲۵ بر آن تأکید کردند.

تصمیم سوکار برای ادامه فعالیت به عنوان اپراتور این پروژه در بحبوحه جنگ تل آویو و غزه به نوعی تأکید مجددی بر تعمیق روابط بین دو طرف ارزایی می‌شود. این اقدام باکو نشان داد که قصد آذربایجان برای تعمیق جایگاه اقتصادی و ژئوپلتیکی خود در غرب آسیا به همراه تقویت اتحاد راهبردی با رژیم صهیونیستی جدی است. به علاوه گسترش حوزه عمل یک شرکت آذری به حوزه مدیترانه، به معنای افزایش قدرت نرم این کشور و گشایش چشم‌انداز صادرات گاز بیشتر به جنوب شرقی اروپا بود. آندیشکده بگین-سادات در گزارشی در این باره نوشته است: «زمان‌بندی تعهد سوکار چیزی بیش



از دیدگاه رهبران تل آویو به ویژه بعد از تحولات یک دهه اخیر، جمهوری آذربایجان فقط یک کشور دوست یا یک متحد ساده نیست، بلکه برآورد این رژیم از آذربایجان در سطح یک متحد راهبردی است

رویکرد